

خزان طبیعت

خود را در پهن دشت تعلیم و تربیت به نمایش می گذارند و بخش زیادی از جامعه و بل کل آن را متوجه فعالیت های خود می کنند. بیش از همه دبستانیان و از آن فراتر سال اولی های دبستانی - مثال پرندگان تازه پا - بر شاخه های رنگارنگ مدارس نخستین ذخیره های دانشی را به انبان خود سرازیر می کنند. افکار و سلاطین متفاوت خویش را در راهی نوین به کار می بندند و حقیقتی راستین را در مقابل دیدگان نظام آموزشی آشکار می سازند که من آمده ام تا سرود یادگیری را ادامه دهم. می گویم و از پا در نمی آیم تا ادامه دهنده راهی باشم که قدمتی به دیرینگی بشر دارد.

جنبش و جوش و سروصدای این شمار عظیم دانش آموزان در ساعات ورزش پرنرنگ تر از سایر کلاس ها و توأم با سرور و وجد و تلاش های بدنی است که زمینه پویایی آن ها را در سایر کلاس ها فراهم می آورند. معلمان آن ها می دانند هر کسی در طول زندگی خود تصمیم هایی می گیرد. آموزش و انتخاب شیوه صحیح زندگی مهم ترین تصمیمی است که این دانش آموزان باید اصول و مبانی اتخاذ آن را بیاموزند و به تدریج آموخته هایشان را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار بندند. مدرسه جایی است که در کنار والدین بهترین فرصت ها را برای کودک نوآموز و سپس دانش آموز فراهم می آورد تا به یادگیری مهارت های زندگی بپردازند.

هر چند کمک به دانش آموزان و جوانان برای رسیدن به تعالی همه جانبه وظیفه همه مسئولان جامعه است. همگان می دانند که این وظیفه و مسئولیت از خانه شروع می شود، در مدرسه پرورش می یابد و در جامعه تکمیل می گردد اما، همیشه این سؤال مطرح بوده است که دانش آموزان چگونه می توانند شیوه زندگی سالم را برگزینند تا بتوانند تلاش های خود را به سمت تعالی سوق دهند.

نهاد خانواده و در کنار آن نهادهای آموزشی غیرعالی - در درجه اول - وظیفه دارند به دانش آموزان و جوانان کمک کنند تا به اهمیت سلامت روحی، روانی و جسمی خود پی ببرند و هویت فردی خویش را باز یابند. دیگران با تلاش و کوشش فراوان - این اندیشه ها را برای ما به یادگار گذاشته اند تا بدانیم آموزش واقعی در زمینه های زیر این امکان را فراهم می سازد تا این دیدگاه ها در متن زندگی کودک، نوجوان و جوان ساری و جاری شود:

• مشارکت همیشگی در فعالیت های بدنی؛

در دور ایام، توقف لحظات آرزویی است محال. جهان طبیعت با باد خزان، فصلی را تجربه می کند که سبزینه ها به صورت زرینه ها در می آیند و رنگین روزگار طبیعت با سردی هوا چهره های دیگر می گشاید؛ عاشقان را به مهمانی دیگری می خواند و ویژگی زمان را بی قراری آن معرفی می کند. با این همه، بسیاری سکوت فصل خزان را می پسندند و آن را باب طبع خود می دانند. به هر روی، گردش ایام با خود حکایت ها دارد.

بر برگ های زرد خزانی نوشته اند
سربسته نکته ها که سپنجی است این جهان
هر برگ خزان خواند از دور روزگار
افسانه شگرفم در گوش بی زبان
گوید که نیستی است سرانجام هر چه هست
گوید که پیری است تو را در پی، ای جوان
گل های بی وفا همه رفتند از چمن
زان سان که کس نیابد از آنان دگر نشان
بستان چو زلف دلبر از نسیم صبح
آشفته گردد از وزش باد مهرگان
ای نوبهار حسن به باغ آ که هر درخت
گردد پی نثار به پای تو زرفشان

فصل زیبای پاییز که به حسن گل و گلاب پروریده نیست، عاشقان خود را به کنار پنجره ها می نشاند و با صد ناز و افسون، فرا رسیدنش را با آواز و می و عشوه گری به رخ می کشد؛ به طوری که بسیاری را سر ذوق می آورد تا در وصفش بسرایند.

بی می نتوان برد به سرفصل خزان را
ساقی بده آن جام پر از خون روان را
گر باد خزان خون رزان ریخت به گلزار
بر خون رزان ده ثمن برگ و خزان را
اما برای دست اندر کاران کار آموزش و پرورش، فصل خزان، بهار طبیعت یاد دادن و یادگیری است. با عبور گرمای تابستانی و آغاز ورزش بادهای پاییزی، پایگاه های آموزش دوباره رونق می گیرند. بلبلان این بهار در مراکز آموزشی دست به چنگ و عود و نی می برند و هر کدام نغمه های خویش را می سرایند. هر چند در طبیعت راستین به جز زردی یک دست، رنگی دیگر جلوه گری نمی کند، در بهار دانش و آگاهی، الوان گوناگونی در آسمان زیبای اندیشه می نشینند و مرغان علم و آگاهی بر شاخه های گل در مراکز آموزشی قیل و قال هستی را می سرایند.

بدون تردید، دانش آموزان بارقه های اصلی الوان گلگون نظام آموزشی کشورند که بر تارک پاییز، لاله های رنگین

**نهاد خانواده
و در کنار آن
نهادهای آموزشی
غیرعالی - در
درجه اول -
وظیفه دارند به
دانش آموزان و
جوانان کمک
کنند تا به اهمیت
سلامت روحی،
روانی و جسمی
خود پی ببرند
و هویت فردی
خویش را باز یابند**

و به عارفان دانش

آموزش روش استفاده از خوردنی‌های سالم؛
رعایت نظافت و بهداشت فردی؛
استفاده نکردن از هر نوع مواد دخانی؛
پرهیز از مصرف مواد مخدر؛
دوست‌یابی و داشتن روابط خوب و سالم با دیگران؛
شناخت ویژگی‌ها و استعدادهای فردی؛
تربخورد اصولی با ابزارهای فناوری و استفاده صحیح از آن‌ها در جامعه.

همه این دیدگاه‌ها باید در نهاد مقدس خانواده بروید و در محیط امن مدارس پرورش یابند. ناپیوستگی این دو نهاد دستیابی به رشد مطلوب را ناممکن می‌سازد. محیط فیزیکی امن و مدرسه سالم به همان اندازه محیط خانواده آرامش‌فکری و روانی کودک و جوان را بنا می‌نهد. در تارک این دیدگاه‌ها «مشارکت مؤثر در فعالیت‌های بدنی» در زندگی روزانه قرار دارد. محیط خوب و هیجان‌انگیز مدرسه و وجود معلم ورزش با انگیزه و آشنا با گسترش مهارت‌های زندگی، کودک و جوان را تشویق می‌کند تا آنجا که می‌تواند به سمت خوبی و مسالمت‌جویی حرکت کند و اندیشه‌های خود را در حد کمال متعالی سازد. به همین دلیل است که فیلسوفی که بازی‌های المپیک را بنا نهاد، با صراحت هدف خود را رسیدن جوانان به تعالی همه‌جانبه از ره‌آورد شرکت در فعالیت‌های بدنی و ورزشی برمی‌شمرد.

نه تنها در ایران، بلکه در بخش‌هایی دیگر از این جهان پهناور نیز هنوز مراکز آموزشی، متولیان آن‌ها و در بُعدی گسترده معلمان ورزش برای رساندن دانش‌آموزان و جوانان به این حد از تعالی توانمند نشده‌اند. بخشی از رسالت مدرسه سالم که معلم ورزش می‌تواند در آن مهم‌ترین نقش را ایفا کند - فراهم آوردن فرصت شرکت در برنامه‌های تربیت‌بدنی و ورزش برای همه دانش‌آموزان در هر رده سنی است. در کنار آن، در مدرسه امن و پویا همه موظفانند تفاوت‌های فردی و فرهنگی را محترم بشمارند. در این میان اهمیت زیادی دارد که معلمان ورزشی در مشارکت دادن دانش‌آموزان در فعالیت‌های بدنی، فقط سطح مهارت و کارایی در میدان‌های مسابقاتی را مدنظر قرار ندهند؛ چون همین امر، نخستین ریشه‌های تبعیض رفتار و آزارها و اذیت‌های روحی و روانی و دلهره داشتن از مشارکت در فعالیت ورزشی را در وجود کودک نهادینه می‌کند که پیامدهای آن به همان دوره کودکی محدود نخواهد ماند. مدرسه امن و سالم، والدین و جامعه را در همه امور مدرسه دخالت می‌دهد تا نقش ارزنده فعالیت بدنی در ارتقای سلامتی دانش‌آموزان و جوانان

ماندگار شود.

یادآوری این نکات از این نظر مهم است که رعایت همه اصول یاد شده، زمینه را برای یادگیری مطلوب فراهم می‌آورد. توجه به این نظرگاه‌ها از آن روی باید مهم تلقی شود که برای کودکان و جوانان، فرصت انتخاب‌های سالم و رفتارهای مدنی را در حد نسبی فراهم می‌آورد و آن‌ها را آگاهانه - و نه از روی اطاعت کورکورانه - به سوی تعالی همه‌جانبه سوق می‌دهد.

به عقیده یکی از نظریه‌پردازان بزرگ تعلیم و تربیت جهانی، در یک نظام آموزشی کارآمد برنامه‌های درسی دانش‌آموزان باید مشحون از آموزش حقوق انسانی، برابری با وجود تفاوت‌های زبانی، و فرهنگی و حساس بودن نسبت به اهمیت همدلی در مسیر ساختن جامعه‌ای آباد و آزاد باشد. در تحقق این رویای دیرپای همه صاحب‌نظران، بدون تردید درس آزاد ورزش در مدارس امن و سالم، با حذف تنفر و تبعیض و تأمین رویاپردازی کودکان و نوجوانان بار اصلی را به دوش می‌کشد تا کودکان از همان آغاز بدانند دنیایی پر از صلح و آرامش - که اکنون به رویای دست نیافتنی بشر تبدیل شده است - به شرطی قابل تحقق است که همه اصول انسانی و مقررات ساده در میدان ساده ورزش در مدارس تمرین شود و اگر بناست بزرگانی در صحنه اجتماع بگذارند و بگذرند، باید همین شیوه را در میدان‌های ساده زندگی بیاموزند که در مدرسه و به‌ویژه در کلاس و دروس تربیت‌بدنی تحقق یافتنی است.

نصیحت در میدان آموزش و پرورش و به کارگیری اصول مورد نظر در زندگی کودک و نوجوان، اگر هم پذیرفتنی باشد باید چنین باشد:

ای پسر، ملک جهان جاوید نیست
بالغان را غایت امید نیست
پیشوا کن عقل دین اندوز را
مرجع فرداشناس امروز را
هر عمل دارد به علمی احتیاج
دانش از کوشش همی گیرد رواج
آنچه خود دانی روش می‌کن بر آن
و آنچه نی، می‌پرس از دانشوران
پند و اندرزهای مناسب در نظام آموزش و پرورش زمانی اجرایی می‌شود که دانش به کوشش و کوشش به عمل تبدیل شود؛ و الا، روش‌های دیروز ادامه می‌یابد و مشمول این شعر حضرت حافظ می‌شود که
خامان ره نرفته چه دانند ذوق عشق
دریادلی بجوی، دلیری، سرآمدی

سر دبیر

مدرسه امن و سالم، والدین و جامعه را در همه امور مدرسه دخالت می‌دهد تا نقش ارزنده فعالیت بدنی در ارتقای سلامتی دانش‌آموزان و جوانان ماندگار شود